

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

نظر مرحوم امام در بحث

بحث در این است که ببینیم امام (رضوان الله تعالی علیه) در این تنبیه چه تحقیقی را ارائه فرمودند. بر حسب روش فقهی و اصولی که امام در مباحث استدلالی دارند ایشان ابتدا بحث را منتقح می‌کنند و بعد می‌فرمایند کلام مرحوم آقای حائری و مرحوم نائینی اشکال دارد. امام برای بیان نظریه‌ی خودشان سه امر را ذکر می‌کنند:

مقدمه اول در کلام مرحوم امام

عام از نظر زمان بر چهار نوع است، نوع اول به نحو عام اصولی است یعنی متکلم هر زمان را مستقلاً اراده می‌کند مثل اینکه مولا بگوید اکرم العلماء فی کل یوم و فی کل یوم یا متعلق به هیئت، ماده، متعلق و نسبت حکمیّه باشد. نوع دوم این است که زمان را به نحو عام مجموعی اراده کند. نوع سوم این است که زمان را به نحو استمرار اراده کند و تصریح به استمرار کند. نوع چهارم این است که استمرار از اطلاق کلام متکلم و یا از راه یک دلیل عقلی^[۱] استفاده شود.

در فرضی که ازمنه‌ی مستقله است روشن است احکام مستقله و موضوعات مستقله است، طلب‌های متعدد و مطلوب‌های متعدد است.

در جایی که زمان به نحو عام مجموعی است یک طلب واحد بیشتر نیست، به طوری است که اگر اخلال به این مطلوب واقع شود این مطلوب مطلوبیت خودش را از دست می‌دهد.

در فرض سوم متکلم تصریح به استمرار می‌کند و می‌گوید اکرم العلماء مستمراً منتهی فرقی با عام مجموعی این است که اگر مخاطب در یک زمانی امتثال نکرد مطلوبیت بقیه‌ی زمان از بین نمی‌رود. یا مثلاً اگر مولا گفت اکرم زیداً مستمراً، اگر روز اول و دوم و سوم اکرام کرد و روز چهارم اکرام نکرد، می‌فرمایند برای روز پنجم به بعد این مطلوبیت باقیه، و لکن لا بطلب مستقل بلکه به همان طلب اولی که مولا داشته، در عام مجموعی اگر مجموع زمان مطلوب باشد و اخلال به یک جزء واقع شد مطلوبیت از بین می‌رود مثلاً اگر گفتیم وسط روز افطار کند بقیه‌اش مطلوبیت ندارد، اما در استمرار زمانی، بعد الاخلال در امتثال مطلوبیت باقی است.

فرض چهارم، در جایی که استمرار را از اطلاق یا صوتاً لکلام الحکیم عن اللغویة استفاده می‌کنیم و این استدلالی است که ظاهراً محقق ثانی دارد. می‌فرماید اگر مولا بگوید وفای به عهد واجب است و معنایش این باشد که اگر یک روز هم وفا کردی

کافی است، از این معنا لغویّت لازم می‌آید و وجوب وفا دیگر اثری ندارد لذا ما صوتاً لکلام الحکیم عن اللغویة استمرار را استفاده می‌کنیم.^[2]

مقدمه دوم در کلام مرحوم امام

عموم ازمانی (چه مولا تصریح به استمرار کرده یا استمرار را از اطلاق فهمیده باشیم یا به نحو ازنه‌ی مستقلة باشد) متفرّع^[3] بر عموم افرادی است. مثلاً وقتی می‌گوئید اکرم العلماء مستمراً بعد می‌گوئید از این مستمراً عموم ازمانی فهمیده می‌شود، علماً عموم افرادی دارد، جمع محلاّی به الف و لام است یعنی زید را مستمراً، عمرو را مستمراً، حالا اگر بعد گفتید لا تکرّم زیداً، اگر یک فرد را خارج کردید، وقتی یک فرد را خارج کردید موضوع برای عموم ازمانی نسبت به این فرد از بین می‌رود و منتفی می‌شود.^[4]

مقدمه سوم در کلام مرحوم امام

حالا که ما دو تا عموم داریم، یک عموم افرادی و یک عموم ازمانی، و عموم ازمانی متفرّع بر عموم افرادی است پس هر کدام تخصیص یا تقیید مربوط به خودش را دارد. گاهی عموم افرادی صدمه می‌خورد و عموم ازمانی به قوّت خودش باقی است و گاهی عموم ازمانی صدمه می‌خورد و عموم افرادی به قوّت خودش باقی است. مثلاً وقتی شما می‌گوئید اکرم العلماء مستمراً یا اکرم العلماء فی کلّ یوم و بعد گفتید لا تکرّم زیداً فقط عموم افرادی به هم خورده و چیزی از مستمراً از بین نرفته و اگر گفتید لا تکرّم زیداً یوم الجمعة ضربه به مستمراً خورده و فرد خارج نشده چون شما نیامدید زید را مطلقاً فی جمیع الازمه خارج کنید، بلکه فقط گفتید زید را روز جمعه اکرام نکن. می‌فرمایند

به بیان دیگر وقتی گفتیم اکرم العلماء بعد بگوئیم لا تکرّم زیداً یا بگوئیم لا تکرّم زیداً یوم الجمعة، لا تکرّم زیداً عموم افرادی را از بین می‌برد ولی عموم ازمانی مستمراً به قوّت خودش باقی است و هیچ ضربه‌ای از حیث ظهور نمی‌خورد، و وقتی می‌گوئید لا تکرّم زیداً یوم الجمعة، تمام ضربه به مستمراً می‌خورد و نمی‌آید یک فرد از این العلماء را من رأسه خارج کنید، زید هنوز باقی است و العلماء به قوت خودش باقی است.^[5]

مدعای مرحوم امام

می‌فرمایند ما تفصیل شیخ و تفصیل آخوند را قبول نداریم و در تمام این موارد بعد از خروج فرد در یک زمان به عموم عام باید تمسک کنیم و مرحوم والد ما (رضوان الله تعالی علیه) همین نظر را تحکیم کردند.

امام سه مطلب در تحقیقشان دارند. اول می‌گویند در جایی که مولا فرموده اکرم العلماء مستمراً، بعد می‌گوید لا تکرّم زیداً است این محل بحث ما نیست و زید برای همیشه خارج شد. اما در جایی که می‌گوید لا تکرّم زیداً یوم الجمعة، زید فقط در روز جمعه خارج شده ولی تحت عنوان العلماء باقی است و اگر بعد از روز جمعه شک می‌کنید آیا زید در روز شنبه هم خارج شده یا نه می‌شود از باب دوران بین اقلّ و اکثر می‌شود پس لابد من الاكتفاء بالاقلّ، فیکون ظهور الاستمرار فی البقیة حجة. مقصود از اقلّ روز جمعه است که مسلّم از بین رفته و خارج شده ولی در اکثر، به ظهور مستمراً عمل می‌کنیم.

مطلب دوم مسئله‌ی ظهور است و اصلاً کاری به اقلّ و اکثر ندارند و می‌فرمایند در غیر روز جمعه آیا لفظ مستمر حجّیت خودش را از دست داده؟ وقتی که از اول مستمراً را بشکافیم یعنی زید روز جمعه، شنبه و یکشنبه، جمعه‌اش از بین رفت ولی

شنبه و یکشنبه حجّیت لفظ مستمرّ به قوّت خودش باقی است.

مطلب سوم این است که می‌فرمایند ما از شما می‌پرسیم از جهت عرفی مولایی فرموده اکرم العلماء مستمرّاً، بعد فرموده لا تکرّم زیداً یوم الجمعة، آیا این مولا می‌خواهد زید را بالکل خارج کند؟ اگر می‌خواست بالکل خارج کند که نمی‌گفت یوم الجمعة، پس معلوم می‌شود زید را من رأس نمی‌خواهد خارج کند بلکه تنها زید روز جمعه را می‌خواهد خارج کند پس حجّیت این لفظ مستمرّ در غیر از روز جمعه به قوّت خودش باقی است.

بعد می‌آیند روی جایی که استمرار از اطلاق فهمیده می‌شود و می‌گویند اگر مولا گفت **أَوْفُوا بِالْعُقُودِ** ما یک عموم افرادی داریم و اگر هر عقدی از این عموم افرادی حرّم الربا خارج شده مثل ربا، بیع ربوی به عموم افرادی صدمه می‌خورد. یک اطلاق زمانی هم داریم که از راه اطلاق و مقدمات حکمت استفاده می‌شود مثلاً دلیل حرمت ربا می‌آید عموم افرادی را ضربه می‌زند ولی کاری به این اطلاق زمانی ندارد. دلیل خیار غبن در زمان فوریت می‌آید بیعی که در آن غبن واقع شده در زمان فوریت را از عموم ازمانی و از اطلاق ازمانی خارج می‌کند، می‌گوید در این زمان نه. می‌فرمایند ما در بقیه‌ی ازمّنه حجّت داریم و به آن اطلاق باید تمسّک کنیم، در بقیه‌ی ازمّنه بعد زمان الفوریة می‌آئیم به همان عموم وجوب وفا در بقیه‌ی ازمّنه تمسّک می‌کنیم^[6].

تعریض مرحوم امام به مرحوم شیخ انصاری

مرحوم شیخ فرمودند ما در اینجا اگر آمَدیم استصحاب حکم خاص کردیم، این موجب تخصیص زائد نمی‌شود، امام می‌فرماید شما بین تخصیص در آن عام افرادی و تقیید در این اطلاق ازمانی خلط کردید، ما کاری به عموم افرادی نداریم، اگر شما بعد از زمان فوریت بگوئید خیار غبن وجود دارد، به اطلاق ازمانی ضربه زدید، می‌فرماید درست است موجب تخصیص افرادی زائد نمی‌شود ولی موجب تقیید ازمانی زائد می‌شود^[7].

نکات مهم کلام مرحوم امام

یک نکته این است که عام افرادی موضوع است برای عام ازمانی، و به تبع این موضوعیت که عام ازمانی متفرع بر عام افرادی است.

نکته‌ی مهم دوم این مطلب که تخصیص در هر کدام ربطی به تخصیص دیگری ندارد.

نکته سوم و چهارم و پنجم، همین سه مطلب است. امام تفکیک نکردند لعلّ اینها تعابیر مختلف از این نظریه‌شان باشد ولی ما می‌توانیم اینها را به سه عنوان تبدیل کنیم بگوئیم بالأخره شک داریم، شک ما برمی‌گردد به اقل و اکثر، برگشت به اقل و اکثر، به اقل اکتفا می‌کنیم و در اکثر می‌آئیم سراغ همان عموم عام، این یک. دو: می‌گوییم این استمرار عموم ازمانی اش حجّیتش در غیر این زمان باقی مانده. سه: که شاید تعبیر خیلی عرفی‌تر است این است که من رأسه این فرد خارج نشده، وقتی می‌گوییم لا تکرّم زیداً یوم الجمعة، همه می‌گویند زید روز جمعه را خارج کرد، پس بقیه‌ی ایام باید به همان عموم ازمانی در اکرم العلماء مستمرّاً عمل کنیم.

این تحقیق امام را خودتان دقت کنید، فردا ببینیم آقایان مناقشه‌ای بر فرمایش امام دارند یا نه.

[1] □ مثل اینکه می‌گوئیم در کلام حکیم لغویّت راه ندارد پس صوتاً لکلام الحکیم عن اللغویة ما یک استمراری را استفاده کنیم.

[2] □ الاستصحاب، النص، ص: 189 و 190: و یتّضح المرام بعد التنبيه على امور: الأول: أنّه يتصوّر ورود العامّ على أنحاء:

فتارة: يلاحظ المُتكلّم الأزمنة مُستقلة على نحو العامّ الاصوليّ مثل: «أكرم العلماء في كل يوم»... وتارة: يلاحظها بنحو العامّ المجموعيّ... وثالثة: يلاحظ الزمان مُستمرّاً على نحو تحقّقه الاستمراريّ كقوله: «أوفوا بالعقود مُستمرّاً أو دائماً»... ورابعة: يُستفاد الاستمرار و الدوام بنحو الاستمرار المُتقدّم من مقدّمات الحكمة و صون كلام الحکيم عن اللّغوية...

[3] □ عموم افرادی به منزله‌ی موضوع برای عموم ازمانی است.

[4] □ الاستصحاب، النص، ص: 190: الثاني: أنّ العموم الزماني أو الاستمرار الزماني المُستفادين من قوله: «في كلّ يوم» أو «مُستمرّاً» متفرّع على العموم الأفراديّ كان القيد للحکم أو للنسبة الحکميّة، و کذا إذا كان مُستفاداً من مقدّمات الحكمة، فقوله: «أكرم العلماء في كلّ يوم» يكون كقوله «أكرم العلماء» و يقول بدليل مُنفصل: «فليكن وجوب إكرامهم في كلّ يوم» و کذا قوله: «أكرمهم مُستمرّاً» بمنزلة قوله: «فليكن وجوب إكرامهم مُستمرّاً» و أولى بذلك ما إذا كان الاستمرار مُستفاداً من دليل الحكمة. و معنى تفرّع ما ذكر على العموم الأفراديّ أنّ الحكم المُتعلّق بالعموم الأفراديّ موضوع للعموم و الاستمرار الزمانيّين، و کذا للإطلاق المُستفاد من دليل الحكمة.

[5] □ الاستصحاب، النص، ص: 190 و 191: الثالث: لازم تفرّع ما ذكرنا على العموم الأفراديّ هو أنّ التخصيص الوارد على العموم الأفراديّ رافع لموضوع العموم و الاستمرار الزمانيّين، و کذا لموضوع الإطلاق، فلا يكون مُخالفاً لظهورهما، فقوله: «لا تكرم الفسّاق من العلماء» مُخصّص لقوله: «أكرم العلماء» و رافع لموضوع العموم الزمانيّ و الاستمرار المُستفادين من الدليل اللفظي، أو مقدّمات الإطلاق، و ليس تخصيصاً لعمومه، أو تقييداً لإطلاقه، كما لو ورد «أكرم العلماء» و كانت طائفة منهم خارجة من العلماء موضوعاً...

[6] □ الاستصحاب، النص، ص: 190 و 191: إذا عرفت ما ذكرنا فنقول: إذا ورد عامّ أفراديّ يتضمّن العموم أو الاستمرار الزمانيّ - بدلالة لغويّة أو بمقدّمات الحكمة - و ورد دليل مُخرج لبعض أفرادها عن حکم العموم في زمان مُعيّن، كقوله: «أكرم العلماء في كلّ يوم» أو «مُستمرّاً» و انعقد الإجماع على عدم وجوب إكرام زيد يوم الجمعة، أو قوله: «أوفوا بالعقود» و انعقد الإجماع على عدم وجوب الوفاء عند ظهور الغبن ساعة، و شكّ بعد يوم الجمعة و بعد الساعة في حکم الفرد لمُخرج لا يجوز التمسكّ بالاستصحاب مُطلقاً، سواء لوحظ الزمان أفراداً و على نحو العامّ الاصولي، أو ذكر القيد لبيان استمرار الحكم أو المُتعلّق، أو دلّت مقدّمات الحكمة على ذلك. أمّا إذا لوحظ الزمان مُستقلاًّ فواضح، لأنّ خروج الفرد في يوم تصرّف في العموم الأفراديّ التحتانيّ، فأصالة العموم مُحکّمة بالنسبة إلى التخصيص الزائد. و أمّا إذا جعل مُستمرّاً أو دائماً أو أبداً ظرفاً للحکم؛ فلأنّ خروج بعض الأفراد في بعض الأيام ليس تخصيصاً في العموم الأفراديّ، بل تقييداً و تقطيعاً للاستمرار الذي قامت الحجّة عليه، و تردّد أمره بين الأقلّ و الأكثر، و لا بدّ من الاكتفاء بالأقلّ، فيكون ظهور الاستمرار في البقيّة حجة...

[7] □ الاستصحاب، النص، ص: 194: فقول الشيخ الأعظم قدس سره: إنّهُ لا يلزم من ذلك زيادة تخصيص إذا خرج الفرد في

ساعة أو بعد الساعة مُستمرّاً خلط بين التخصيص و التقييد؛ لأنّ خروج الفرد في ساعة تقييد لا تخصيص، و خروجه في الزائد عن الساعة تقييد زائد يدفع بالأصل.